



عکس: Frank Scheffer

گفت‌وگوی آروو پارت و نادرمشایخی

موسیقی ایران برای اروپایی‌ها، تازه است

متولد شد و در پایتخت این کشور، شهر تالین بزرگ شد. متنی که در ادامه می‌خوانید، حاصل گفت‌وگوی نادر مشایخی با این آهنگساز برجسته‌است که به‌طور اختصاصی در اختیار «شرق» قرار گرفته. این گفت‌وگو در تاریخ بیستم‌اکتبر ۲۰۱۰در تالین (لاتویا) در کشور استونی انجام شده و فرانک شفر هم به‌طور کامل از آن فیلمبرداری کرده است. نادر مشایخی، آهنگساز نام‌آشنای ایرانی موسیقی را در دانشگاه موسیقی وین اتریش آموخته و در رشته آهنگسازی، رهبری و موسیقی

در مورد چگونگی آهنگسازی نیست. پس از شنیدن این حرف، ابتدا، همه متحیر می‌شوند. سپس می‌گویم، درست است که انسان در مورد موسیقی فکر کند. اما وقتی کسی موسیقی دیگران را قبول می‌کند، آن‌وقت است که خودش شروع به ساختن موسیقی دیگری می‌کند. این نشان می‌دهد که اگر ما درصدد تغییر هستیم، لازم است از خودمان شروع کنیم و این را می‌شود حتی در رفتار کس دیگری دید. این تلاش را من در فیلم شما حس کردم، که شما چقدر با ظرافت در ارتباط با موسیقی و آدم‌ها رفتار می‌کنید. لذت بردم، به همین شکل آهنگساز هم با صداها با دقت و ظرافت برخورد می‌کند. مویسرات یا شویرت با عشق آهنگسازی می‌کردند. به‌همین دلیل، هر نت، هر فراز، با ظرافتی نوشته شده که انگار شویرت شنونده‌اش را به آغوش می‌کشد یا او را با لطافت لمس می‌کند. این ترجمه لازم ندارد. شما آن را ابراز می‌کنید و دیگری پیام را دریافت می‌کند. همین. این یک راز است و یک راز هم باقی می‌ماند.

نم. درست‌ست. راستی، تا از یادم زنده، خیلی از جوان‌های ایرانی، وقتی فهمیدند که من با شما ملاقات دارم، خواهش کردند از شما بپرسم: آیا مایل هستید به ایران سفر کنید؟.. برای گوش کردن اجرای آثار خودتان توسط ما ایرانی‌ها؟ من فکر می‌کنم مسایل روحی و روانی‌ای که شما مطرح می‌کنید، ظاهراً با منش ما ایرانی‌ها سازگار است. چون علاقه‌ای که از جوان‌های ایرانی به موسیقی شما سراغ دارم، علاقه‌ای است به‌خصوص احساس می‌کنم، در خیلی از موارد، موسیقی شما روحشان را تسخیر می‌کند.

آپ. من علاقه‌مند هستم ببایم، ولی آنقدرها هم آسان نیست. می‌توانیم در این

نم. فکرش از مغزم بیرون نمی‌رود. این خیلی بیشتر از یک کنسرت، درواقع، یک اتفاق تاریخی خواهد بود. مردم در برابر موسیقی‌ای قرار خواهند گرفت که با نوع دیگری از عادات شنیداری شنیده می‌شود. متأسفانه فعلاً ما در گیر «زایده» زیادی هستیم که مدت زیادی است روی موسیقی در ایران، سایه افکنده‌اند. یکی از همین زوایید، تصویری است که از قدیم به‌جا مانده: تصویری که هنوز می‌خواهد ما قبول کنیم که طرز تفکر اروپاییان در مورد موسیقی، «علمی» است و به همین دلیل، ریزپرده‌های ایرانی را باید تعدیل کرد. این تصور باطل، که می‌توان به‌جای «مِ کُرن» از نت «می» استفاده کرد. این تصور که نت‌های اِسم در اکتاوهای مختلف را می‌توان به‌جای هم به‌کار برد.

احساس می‌کنم برای موزیسین‌های جوان ایرانی، موسیقی اروپایی جدید است، در حالی‌که موسیقی ایران برای ما اروپاییان جدید و نو است. در این وضعیت بهتر است ما با هم به جست‌وجو برای موسیقی‌ای که به آن نیازمندیم، بپردازیم و این مستلزم کنجکاوی و یادگیری است زیرا هر نوع موسیقی حاوی یک‌سری از اطلاعات است که فقط با آن موسیقی می‌توان آن‌ها را ابراز کرد

آ. پ. در این مورد نمی‌توانم نظری بدهم، چون احساس می‌کنم برای موزیسین‌های جوان ایرانی، موسیقی اروپایی جدید است، در حالی‌که موسیقی ایران برای ما اروپاییان جدید و نو است. در این وضعیت بهتر است ما با هم به جست‌وجو برای موسیقی‌ای که به آن نیازمندیم، بپردازیم و این مستلزم کنجکاوی و یادگیری است زیرا هر نوع موسیقی حاوی یک‌سری از اطلاعات است که فقط با آن موسیقی می‌توان آن‌ها را ابراز کرد. ردکردن، بدون اطلاعات کافی اشتباهی است که ما باید در خودمان جست‌وجو کنیم. شاید بهتر باشد سعی در تغییر دیدگاه‌مان کنیم.

نم. من هم به شاگردانم پیشنهاد می‌کنم سعی نکنید دنیای اطرافتان را تغییر دهید، بلکه کافی است بتوانید خودتان را تغییر دهید؛ اینکه فکر باشیم چیزی را که دیده‌ایم، جور دیگر ببینیم. کشف تفاوت بین شنیدن و یادگیری است زیرا هر نوع برای ما ایرانی‌ها خواهد بود. من الان در حال تنظیم اثر زیبای شما «فراترس» برای سازهای ایرانی هستم که قرار است ضبط شود. به نظر شما این کار شدنی است؟

آپ بله، می‌تواند خیلی جالب باشد.

نم. برای من هیجان‌انگیزترین جنبه این تنظیم، ادغام سازهای ایرانی و سازهای اروپایی چون من اعتقاد ندارم این سازها، به شکل کنونی، قابل ادغام باشند. بنابراین سعی کردم در نوع نوازندگی سازهای اروپایی تغییر ایجاد کنم. تلاش کردم این سازها را از فرم شنیداری اروپایی دور کنم. از تکنیک‌های متداول نوازندگی اروپایی استفاده نکنم. یعنی سعی کردم هرچه بیشتر صداهایی ایجاد کنم که نت‌های هارمونیک زیادی داشته باشند اینکه جنبه طبیعی صدا را هرچه بیشتر تشدید کنم. به‌طور نمونه، در اینجا فلوت است که تلاش می‌کند خود را از لحاظ صدایی به نی نزدیک کند.

آپ خوب. اینکه «فراترس» را من ابتدا برای آنسامیل سازهای رنسانس اروپا نوشتم. در واقع می‌توان گفت نسخه‌ای که با سازهای متداول اجرا می‌شود، یک نوع سازش

الکترونیک با درجه ممتاز فارغ‌التحصیل شده است. او در کارنامه‌اش غیر از تشکیل «آنسامیل وین ۲۰۰۱»، رهبری گروه‌هایی چون وین ۲۰۰۱، کاپیلا کوندور تا، رهبری ارکستر سمفونیک تهران، اجرای ارکستر در اتریش و آلمان، دوره‌های متعدد تدریس در دانشگاه تهران و دانشکده موسیقی دانشگاه هنر و دانشکده صداوسیما و کنسرواتوار تهران را نیز دارد. معرفی و اجرای آثار جان کيج، موسیقیدان و هنرمند بزرگ آمریکایی از مهم‌ترین کارهای مشایخی در ایران است.

بود به همین دلیل خیلی کنجکاو هستم که ببینم به چه نتیجه‌ای می‌رسید. ن. م. چقدر عالی. اصلاً می‌توان سازهای قدیمی اروپایی را با سازهای ایرانی همراه کرد. برای اینکه آنها از لحاظ ساختمان خیلی بیشتر به سازهای ما نزدیک هستند ما همراه با ارکستر سمفونیک تهران اثری از شما به نام «خاور و باختر» را در تهران و برلین اجرا کردیم. خیلی‌ها سوال می‌کردند چرا نام این اثر «خاور و باختر» است؟

آپ. شاید بهتر باشد که این فقط یک سوال باقی بماند. (با خنده) بگذاریم...

در قطعه «خاور و باختر» از دوتوع مصالح استفاده کردم؛ بخشی که فقط از آلودرها تشکیل شده و بخشی که فقط لایونیسو (همصدا) است. می‌توان گفت: یکصدایی و چندصدایی (۸ و ۱۶ صدایی)، محور افقی و عمودی و حتی استفاده از سازهای ایرانی شاید در قسمت‌های یکصدایی در این اثر هم جواب دهد. البته به این سادگی نیست. این فقط یک ایده است، چون من، در حین آهنگسازی این اثر، فقط به سازهای اروپایی فکر کردم. شاید حتی سازهای ایرانی بتوانند در تمام قسمت‌های این اثر هم‌نوازی کنند. در این مورد به‌دلیل نزدیکی و شناخت از این سازها، شما بهتر می‌توانید تصمیم بگیرید. ن.م. اینکه دیگر خیلی جالب شد. حالا ما دواتر از شما داریم که با سازهای ایرانی بنوازیم و تاثیر آن‌دو را تجربه کنیم.

راستی، می‌خواستم نظر شما را در مورد تکنیر نوازندگان در یک آنسامیل موسیقی اصل ایرانی و تبدیل آن به یک ارکستر بدانم. من خودم نظر مثبتی ندارم. اولاً باید این کار اتفاقی می‌افتد که در اروپا، از زمان ژان‌پائیس‌ت لولی» رخ داده؛ یعنی تکنیر زهی‌ها در یک ارکستر، این کار نتیجه مطلوبی برای موسیقی اصل ایرانی نخواهد داشت چون پایگی‌ترین عامل در این موسیقی، بداهه‌پردازی است و با کثرت نوازنده، امکان بداهه‌پردازی محدود می‌شود. از آن گذشته، در ارکستر اروپایی رنگ‌صدایی، به‌طور مثال، یکویولون و ۱۲ ویولون کلاملاً متفاوت است. در حالی‌که کثرت سازهای ایرانی تفاوتی اساسی ایجاد نمی‌کند.

آپ. برای من، واقعیت در رنگ‌صدایی نیست؛ یعنی یک‌صدا یا حداکثر دوصدای هم‌زمان کافی است. موسیقی تک‌صدایی، مثل نوشتن یک متن یا یک نامه است. در یک قطعه آوازی، مهم ملودی است. همراهی در واقع، جنبی است. در آهنگسازی، یک‌پولی‌فونی کامل وقتی امکان‌پذیر است که هر کدام از اجزای ملودیک کامل باشند. ولی یک صدا عملاً می‌تواند کامل و کافی باشد. فرهنگ‌های کهن گواه این مطلب هستند. آیین‌های مذهبی که تک‌صدایی، مثلاً از بالای مناره‌ها شنیده می‌شود آیا فقط موسیقی هستند یا یک پیام «آوازهای «گروگربین» که با کمال دقت و سادگی آهنگسازی شده‌اند، همه تک‌صدایی هستند هیچ احتیاجی به صدای دوم نیست.

ن.م. متأسفانه، در حال حاضر، در ایران سعی در بزرگ کردن آنسامیل ایرانی می‌شود. من فکر نمی‌کنم این تلاش نتیجه خوبی داشته باشد. از یک‌طرف، این موسیقی روی بداهه‌پردازی بنا شده و از طرف دیگر، ساختمان و رزنانس سازهای ایرانی، با هدف تقلیل صدا طرح شده. این‌دو روی عادت شنیداری ما ایرانی‌ها تأثیر گذاشته‌اند.

آپ. در فیلمی که راجع‌به شما دیدم، کدام اثر شماست که ابتدا با آواز شروع می‌شود، فقط با همراهی یک طبل بزرگ؟ خیلی زیباست. بسیار قوی. متنی که خوانده می‌شود، اثر چیست؟

نم. اشعار عموماً از حافظ و سعدی هستند. از عشق به‌معنوان تمثیل استفاده می‌کنند. یک قسمت عمده هم از مولاناست. جدا از اینکه کیفیت بی‌نهایت زیادی در آثار آنها هست، به‌طور مثال مولانا اشعاری دارد که در آنها فقط بر صدا تمرکز کرده و معنی ندارند. برای من این آثار بیش از اندازه جالب هستند، چون دقت فقط به صدا، متر، وزن و ریتم است.

آپ. آیا امکان ترجمه برای این نوع اشعار وجود دارد؟

نم. فکر نمی‌کنم. چون آنها فقط صدا هستند.

آپ. آیا این صداه‌ا پیمایی خاص هستند که ایرانیان آن را دریافت می‌کنند؟

نم. در واقع دلمه‌ها تفسیر در نوع این اشعار خیلی باز است، زیرا حتی دیگر فاقد جنبه‌اسانتیک» هستند.

آپ. هیچ لغتی معنادارند... فقط صدا. چالشی بزرگ.

نم. (بلخند) دقیقاً حتی در بعضی از غزلیات مولانا چندپند یا یک غزل دیگر تکرار می‌شود ولی با قراردادن ابیاتی در قبل و بعد آنها، تفسیرهای دیگری را برای خواننده ایجاد می‌کند فرم من هم از همین تکنیک مولانا الهام گرفته است. (بلخند)

آپ. به شما تبریک می‌گویم. (بلخند) بعد از این جمله پرت به من پیشنهاد کرد مدتی استراحت کنم. مرا به کلیه آهنگسازی‌اش که از خانه مسکونی‌اش حدود ۲۰متر فاصله داشت، برد و چون او می‌داند که من مریض هستم، برایم جا انداخت و رفت... بعد حدود دوساعت، با صدای در، بیدار شدم و دیدم او وارد شد با فحجان قهوه‌ای در دست که برآیم آورده بود. دوباره به خانه مسکونی بازگشتم و شروع به بحث کردیم. این بار همسر پرت (تورا) هم در گفت‌وگوی ما شرکت داشت. من از رفتار و صحبت‌های او مسحور شدم. به این شکل، یکی از خوشبخت‌ترین روزهای زندگی خود را تجربه کردم.

موسیقی

یادداشت

صدای «کولی»‌ها در تالار شمس پیچید

سحر آزاد

کف‌زدن‌های «کولی»‌ها تماشاگران را به‌وجود آورد و نوای موسیقی اسپانیایی میزبان تماشاگران ایرانی حاضر در کنسرت گیتار فلامنکو شد.

کنسرت گروه «کولی» به سرپرستی سعید نجفی، پنجشنبه، ۱۳شهرور با اجرای قطعاتی برگرفته از موسیقی فلامنکو در تالار ایوان شمس برگزار شد.

فلامنکو به زبان اسپانیایی سبکی از آواز– موسیقی اسپانیایی است. این نوع موسیقی تحت‌تاثیر سبک‌ها و فرهنگ‌های مختلف به شکل امروزی درآمده و می‌توان گفت بیشترین تاثیر خود را از کولی‌های اسپانیا گرفته است. در شکل گیری و تکامل این سبک نمی‌توان از تاثیرگذاری موسیقی مورها و مسلمانان شمال آفریقا و حتی موسیقی عربی و موسیقی لاتین چشم‌پوشی کرد. فلامنکو در حقیقت از آواز و گیتار فلامنکو تشکیل شده است.

گروه «کولی» به سرپرستی سعید نجفی و دیگر اعضای خود شامل آرین کشیشی، محمد غفاری، حسین مویدخواه، سینا خانی‌زاده، بهروز آقایی که نوازندگان گروه «کولی» بودند در این اجرا به روی صحنه رفتند. در این اجرا تهموس پورناظری نوازنده آهنگساز که آخرین آلبوم او با نام «نه فرشته‌ام نه شیطان» مورد استقبال زیادی قرار گرفته است و اعضای گروه «نیوش» هم حضور داشتند.

سعید نجفی، نوازنده اصلی گیتار این گروه پس از به‌صحنه‌آمدن از تلاش‌های بهروز فرمائی، مدیر اجرایی کنسرت تقدیر کرد و در ادامه با قطعه‌به تکنوازی گیتار پرداخت. بعد از آن بهروز فرمائی نوازنده کاهن، نجفی را همراهی کرد، البته در کنار آنها باید به سینا خانی‌زاده و بهروز آقایی در قطعه‌موسوم اشاره کرد که با اجرای «پالماس» شور و هیجان مرسوم موسیقی‌های اسپانیایی را به سالن آوردند. «پالماس» با همان کف‌زدن یکی از عناصر اصلی فلامنکو است که هنرمندان موسیقی این رشته موسیقی برای شمارش ریتم و حفظ یکنواختی آن در موسیقی به کار می‌برند. این نوع حفظ ریتم در



موسیقی فلامنکو گونه‌های متعددی دارد و گروه کولی نیز با به‌کارگیری این شیوه توانستند توجه مخاطبان را برانگیزند.

آرین کشیشی، نوازنده گیتارالکتریک که در گروه «کامنت» هم عضویت دارد و از سوی بسیاری از جوانان علاقه‌مند به موسیقی شناخته می‌شود، در قطعه چهارم به روی صحنه آمد و برای دقایقی به اجرای تکنوازی گیتار پرداخت. او در قطعه بعدی نیز روی سن باقی ماند و کولی‌ها را همراهی کرد هرچند در قطعه ششم باردیگر از گروه جدا شد. پس از پایان این قطعه، بخش اول کنسرت به پایان رسید. برخی از تماشاگران هنگام خروج از سالن رضایت خود را از برگزاری این کنسرت اعلام کردند و

بعد از استراحتی کوتاه، بخش دوم با تکنوازی گیتار سعید نجفی آغاز شد. او همچنین در بین اجراهای خود و معمولاً بعد از اتمام هر قطعه در مورد آثار یا نوازندگان گروه توضیحاتی می‌داد و گفت از آثار هنرمندان مشهوری مانند پاکو دلوسیا، ویسنته آمیگو، توماتیو، خردارو ونوز و چیکونلو می‌داند که من مریض هستم، برایم جا انداخت و رفت... بعد حدود دوساعت، با صدای در، بیدار شدم و دیدم او وارد شد با فحجان قهوه‌ای در دست که برآیم آورده بود. دوباره به خانه مسکونی بازگشتم و شروع به بحث کردیم. این بار همسر پرت (تورا) هم در گفت‌وگوی ما شرکت داشت. من از رفتار و صحبت‌های او مسحور شدم. به این شکل، یکی از خوشبخت‌ترین روزهای زندگی خود را تجربه کردم.

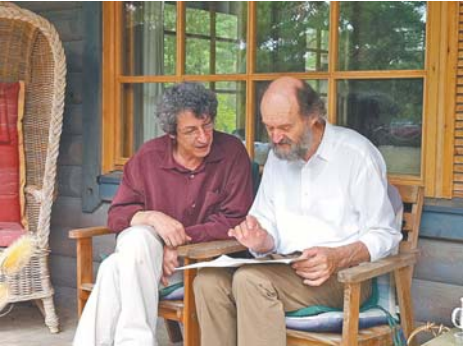
نوانس

نگاهی کوتاه به کار دو آهنگساز: «آروو پارت» و نادر مشایخی هم سخت، هم آسان

سخن گفتن درباره موسیقی و خالقان موسیقی کار بسیار سختی است. سخن گفتن از موسیقی و خالقان موسیقی کار بسیار آسانی است به‌ویژه وقتی به مدد وزارت فناوری اطلاعات شما بتوانید در وسط کویر بزد چیزی بنویسید. چندروز پیش متوجه شدم که نادر مشایخی گفت‌وگوی با موسیقیدان شاخص استونیایی «آروو پارت» ترتیب داده به همین دلیل دوست داشتم‌به هر شکل که شده چیزی هرچند کوتاه درباره این دودیده یعنی مشایخی و پارت بنویسم. اما دلیل اینکه می‌گویم نوشتن در باب موسیقی بسیار سخت است این است که شما با چیزی سروکار دارید که انتزاعی است و توصیف‌پذیر نیست به همین دلیل بسیاری از متون درباره موسیقی کمی خنده‌دار می‌شود. (چندروز پیش کلی خندیدم از خواندن یکی از همین‌دست متون)

اما راه‌حل چیست؟ آیا باید به‌طورکل درباره موسیقی و موسیقیدان چیزی نوشت؟ قطعاً اینچنین نیست اما تحلیل‌های متنی در جراید در طول زمان بی‌مفومی و بی‌فایده‌بودن خود را نشان داده‌اند. نویسنده می‌تواند با تعدادی گزاره ساده و قابل فهم مخاطب را تشویق کند تا به‌سراغ موسیقی موردنظر یا آهنگساز مورد نظر برود. نویسنده تنها می‌تواند مخاطب را تحریک کند و حس کنجکاوی‌اش قلقلک دهد. من هم حس کنجکاوی شما را کمی تحریک می‌کنم تا به سراغ موسیقی مشایخی و آروو پارت بروید.

قبل از جنگ جهانی دوم و پس از آن نوعی تضاد بین آثار موسیقی قدیمی و کلاسیک با دیدگاه تحول‌خواه مدرن به‌وجود آمد. هرچند این تضاد هیچ‌وقت به زبان آورده نشده و اکثر موسیقیدانان مدرن به تجلیل از موسیقی هندل، باخ، شوبرت یا قبل‌تر از آن متون وردی، دوفی، ژوسکن دوبره و پروتن پرداخته‌اند اما در عمل موسیقی ملال و تونال به فراموشی سپرده شد. آثار روزبه‌روز پیچیده‌تر شدند و غیرقابل فهم تا به حدی که خود موسیقیدانان هم نمی‌فهمیدند چه می‌کنند. این نوعی موسیقی پرتکلف و دماغ سربالا بود که نمی‌تواند با مردم کوچک‌ترین ارتباطی برقرار کند. موسیقیدانان در اروپا تلاش‌های زیادی در زمینه جذب مخاطب عام کردند از جمله لوییجی نونو که با تمایلات سوسیالیستی سعی کرد با



کارگران در ارتباط قرار گیرد که به هیچ‌وجه موفقیت‌آمیز نبود.

می‌توان اینگونه گفت که موسیقی اروپا در اواخر دهه ۷۰ و اوایل ۸۰میلادی به نوعی بن‌بست مفهومی رسیده بود. از مایه‌ها و ظرفیت‌های مهمی در سمتوی برخی موسیقیدانان وجود داشت. مهم‌ترین نکته این بود که بسیار از موسیقیدانان بازخوانی مجدد متون آنتیک موسیقی را آغاز کردند و این بازخوانی منجر به تولید و خلق مجموعه‌ای بی‌نظیر از آثار جدیدی شد که خوانشی از متون کهن موسیقایی اروپایی بود. آروو پارت یکی از مهم‌ترین این آهنگسازان بود که با تعدد خلق آثار در زمره بهترین‌های موسیقی معاصر قرار می‌گیرد. موسیقی آوازی پارت هنری کاملاً شخصی و انحصاری است. نه کسی می‌تواند آن را تقلید کند و نه توصیف. هرچند برخی از تحلیلگران پارت و هنریک گورتسکی را در ریف هنرمندان مینیمالیست قرار می‌دهند، این دواْهنگساز با نوعی بازگشت به سنت آهنگسازی اروپایی راهی جدید و بی‌بدیل یا تکرارناشنی را کشفه‌اند. این راهی میانی بود؛ راهی غیرادیکال، نرم و آرام با بهره‌گیری از سامانه‌های آهنگسازی گروگوریایی اما با صداهای کاملاً امروزی؛ افتخیزخیزی قوی (نوانس)؛ تاکید عمده‌له و علاقه‌له روی عنصر سکوت. در کنار آروو پارت می‌توان به آهنگسازان دیگری از جمله ژودی‌ساول، موسیقیدان کاتالانی معاصر هم اشاره کرد که به‌خوبی توانسته با تلفیق، بخشی از متون موسیقایی آنتیک اروپا را زنده کند.

اما مشایخی گستره بسیار وسیع‌تری را با موسیقی هدف‌گیری کرد و محدوده کار خود را از موسیقی مدرن به موسیقی و هنر مفهومی، انواع و اقسام دیدمان‌های صوتی و پرفورمنس و پروژه‌های میان‌رشته‌ای کشاند. نوع نگاه مشایخی مانند مایع «آر» به‌شدت قرار است. مشایخی آنقدر خود را موسیقی را آزاد می‌گذارد که گاه شک می‌کنیم که نکند موسیقی یعنی آزادی یا آزادی یعنی موسیقی. در طول سال‌ها آشنایی نزدیک ما نادر مشایخی کوچک‌ترین دامگنسیسم (جزیمتی) در وجودش ندیدم. از موسیقی‌های تجربی‌اش بیشتر لذت می‌برم. موسیقی مفهومی‌اش برایم جذاب‌تر است. کار روی تجربیات اتفاقی و فلسفه ند‌بن‌دیسیم با به‌قول خودش تجربیات شنیداری، سراسری‌بنی او و تکنیک‌ها در نگاه‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. جذاب بوده است. برای من تعارف و تکلف معنی آنچنانی ندارد پس نان قرض نمی‌دهم. در یک کلام فلسفه زیستی نادر مشایخی و درپی آن فلسفه زیباشناختی و تأثیر بنیان بسیار بر نظریات من گذاشت. از جمله این نکته را از نادر مشایخی یاد گرفتم که «سادگی به معنی ساده‌لوحی نیست. یا اینکه موسیقی مدرن نباید بدصدا باشد یا اینکه...»

نغمه

متبسم و عقیلی با «تو» به قزوین می‌روند

شرق: کنسرت «تو» اثر جدید حمید متبسم توسط گروه مضارب و به خوانندگی سالارا عقیلی ۲۸شهریور در سالن تربیت‌معلم شهر قزوین برگزار می‌شود. در این کنسرت، حمید متبسم وازه «تو» از منظر تملعی شاعران ایرانی را مدنظر قرار داده و بر اساس آن به آهنگسازی پرداخته است. درواقع نوع نگاه و ذهنیت هر شاعر به این واژه متفاوت بوده که در این پروژه موسیقایی نیز تمام این نگاه‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. این کنسرت ۲۸شهریور در قزوین برگزار می‌شود که علاقه‌مندان برای تهیه بلیت می‌توانند به سایت ایران کنسرت برای خرید اینترنتی و فروشگاه سه‌ستاره و استودیو کاپیتال برای خرید گیشه‌ای مراجعه کنند. کنسرت «تو» که به همت موسسه فرهنگی – هنری نغمه حصار برگزار می‌شود، بعد از قزوین، ۱۱مهر در دو سانس در برج میلاد تهران نیز برگزار می‌شود.